

شگردهای طنزپردازی در اشعار اکبر اکسیر

لیلی همایونفر، خورشید قنبری نیز*، مریم شایگان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

سال شانزدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۳، صص ۲۹۵-۳۱۰

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7193

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: طنز از انواع فرعی ادبیات و زاده اعتراض است و آینه‌ای است که نظارگان، چهره هر کس جز خود را در آن می‌بینند. طنز تصویر هنری اجتماع نقیضین است و طنزپردازی در حکایات فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. اکبر اکسیر یکی از شاعران طنزپرداز معاصر است که با نیشتر طنز در صدد اصلاح معایب و رفع کمبودهای دوره معاصر برآمده است. هدف این پژوهش بررسی شگردهای طنزپردازی در اشعار این شاعر است.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها بصورت تصادفی از میان اشعار اکبر اکسیر انتخاب شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بعضی شگردهای اصلی اکسیر برای طنزپردازی عبارتند از: کاربرد صنایع بلاغی مانند (ایهام، استعاره، تشخیص، تشبیه، کنایه، کاربرد ترکیبات محاوره‌ای، مجاز، مراعات نظیر، تلمیح و.....)

نتیجه‌گیری: بهره بردن از استعاره، تضاد، مراعات نظیر، کنایه، تلمیح، تشبیه و جز اینها (نماد، تضمین، مجاز، طنز) و بکارگرفتن ضرب المثلهای زبان عامیانه و محاوره‌ای در سطحی وسیع، نتایج اضافات، و گاهی زبان روایی و داستانی بیشترین اساس طنز را در حوزه زبانی اشعار اکبر اکسیر نشان داده است. او زمانی شعر را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک میکند و از کلمات بومی و محلی استفاده میکند و زمانی از کلماتی استفاده میکند که در دسترس عامه نیست و از همه این موارد برای ایجاد طنز زبانی در اشعارش بهره برده است.

تاریخ دریافت: ۱۹ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۳۱ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۳ خرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

اکبر اکسیر، طنز، ترفندهای طنز

* نویسنده مسئول:

kh.ghanbari@iauk.ac.ir

۰۴۳ ۳۳۲۱۰۰۴۳ (۳۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of satirical techniques in Akbar Eksir's satirical poems

L. Homayounfar, Kh. Ghanbari Naniz*, M. Shaygan

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 March 2023

Reviewed: 20 April 2023

Revised: 05 May 2023

Accepted: 13 June 2023

KEYWORDS

Akbar Aksir, satire, satirical tricks.

*Corresponding Author

✉ kh.ghanbari@iauk.ac.ir

☎ (+98 34) 33210043

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Humor is a sub-type of literature and a product of protest, and it is a mirror in which the spectators see the face of everyone but themselves. Humor is the artistic image of the society of detractors, and humor in Persian stories has a long history. Akbar Aksir is one of the contemporary satirical poets who, with the help of humor, aims to correct the shortcomings of the contemporary period. The purpose of this research is to investigate the satirical techniques in this poet's poems.

METHODOLOGY: This research was conducted with a descriptive-analytical method and the data was randomly selected from Akbar Aksir's poems. .

FINDINGS: The findings showed that some of the main elixir techniques for humor are: the use of rhetorical techniques such as (allegory, metaphor, identification, simile, allusion, the use of colloquial combinations, permission, similar considerations, hint and... ..) .

CONCLUSION: Using metaphor, contrast, simile, allusion, allusion, simile, etc. , and sometimes the narrative and fictional language has shown the most basis of humor in the linguistic field of Akbar Aksir's poems. Sometimes he brings poetry closer to the language of street and market people and uses native and local words, and sometimes he uses words that are not available to the public, and he has used all these things to create linguistic humor in his poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.16.7193](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.16.7193)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

مقدمه:

بحث و بررسی

شعرطنز با ظرفیتی از پیچیدگی و گستردگی که دارد، از سرشتی پذیرنده برخوردار است، و قابلیت وسیعی به جهت مطالعه از دیدگاه علوم دیگر را دارد. اکبر اکسیر از طنزپردازان موفق در حوزه ادبیات معاصر بویژه شعر نو است. آثار او از زبانی ادبی- محاوره ای و سرشار از طنز برخوردار است. علاوه بر زبان طنزآمیز، شاعر با بکارگیری شگردهای طنزپردازی، به نقد بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی و فکری پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده است مهمترین شگردهای طنزآفرینی که اکبر اکسیر بکار گرفته و اشعار خود را برخوردار از شاخص ادبی طنز گردانیده است، شناخته و بررسی شود. این امر علاوه بر شناسایی شگردهای طنزپردازی شاعر، به روشنتر و برجسته‌تر کردن جنبه های فکری و مضمونی اشعار او انجامیده است. نتایج حاصله مبین شگردهای طنزپردازی چون کاربرد صنایع بلاغی (ایهام، تلمیح، کنایه، کاربرد ترکیبات محاوره‌ای، و جابجایی یا وارونه کردن نقشها و موقعیتهاست). در ادامه به بررسی بعضی از این شگردها و ارائه نمونه هایی از آن در اشعار اکبر اکسیر پرداخته میشود.

زندگی نامه اکبر اکسیر

اکبر اکسیر در چهارم اسفند ۱۳۳۲ در محله آبروان شهرستان مرزی آستارا متولد شد. دوران دبستان و دبیرستان را در آستارا و دوره کاردانی و کارشناسی ادبیات را در رشت به پایان رساند. شعر را از سال ۱۳۴۷ شروع نمود و انواع قالبهای شعر را ادامه داده است. در سال ۱۳۶۱ اولین مجموعه شعرش به نام "در سوگ سپیداران" توسط انتشارات امیرکبیر (۱۱هزار نسخه) چاپ و منتشر نمود که شامل شعرهای قبل و بعد از انقلاب هست. در طول مدت شعر و شاعری نقد شعر را با فعالیتهای هنری در زمینه گرافیک ادامه داد. در سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱ از شعر کناره گرفته و بعد از ده سال با پیشنهاد شعر فرا نو به جامعه ادبی دوره جدید شعری خود را آغاز نموده است و طنز به مفهوم مطلق را با شعرهای جدیدش عرضه نمود. اولین آلبوم این نوع شعر به نام "بفرمائید بنشینید صدلی عزیز!" سال ۱۳۸۲ از سوی انتشارات نیم‌نگاه تهران در سه هزار نسخه چاپ و منتشر شد که بلافاصله نایاب شد. در سال ۱۳۸۵ دومین آلبوم شعر فرا نو با نام "زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند" از سوی انتشارات ابتکار نو چاپ و منتشر شد که برگزیده حوزه هنری بعنوان کتاب سال طنز و منتخب کتاب سال جمهوری اسلامی گردید و بلافاصله به چاپ دوم رسید (۱۳۸۶) و چاپ سوم آن (۱۳۸۷) به بازار عرضه شد. همزمان با چاپ دوم مجموعه شعر "زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند" انتشارات مروارید سومین آلبوم شعر فرا نو را با نام "پسته لال سکوت دندان‌شکن است" را در ۱۶۵۰ نسخه (بهار ۸۷) منتشر نمود که چاپ دوم آن به سرعت منتشر شد. همچنین انتشارات مروارید اولین آلبوم شعر فرا نورا (بفرمائید بنشینید صدلی عزیز!) به چاپ دوم رساند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۴ مجموعه غزلیات شاعر آستارایی "میرزا/محمد رحیم طائر" را که از بنیانگذاران آموزش نوین آستاراست را با نام "طائر خیال" توسط انتشارات گیلکان رشت به چاپ رسانده است. در محدوده نقد شعر جایزه دوم خبرنگاران را در سال ۸۴ دریافت نموده و در حال حاضر به انتشار شعرهای فرا نویی خود در مطبوعات مشغول است و در جوار آن به طرح آرم میپردازد. آرم علوم پزشکی گیلان، شرکت صنعتی جبال و سازمان خصوصی سازی کشور از کارهای اوست. اکبر اکسیر در کنار فعالیتهای هنری با تشکیل حلقه فرا نو، شاعران جوان آستارا را به جامعه ادبی ایران معرفی نموده است و از این بابت توانسته در معرفی شعر آستارا موفق باشد. اکسیر اولین انجمن

ادبی را بعد از انقلاب در آستارا تشکیل داده است. لازم به ذکر است اکسیر در جوار فعالیتهای روزنامه‌نگاری، شعر، نقد و طراحی در زمینه شعرهای فکاهی - ترکی نیز سابقه درازی دارد که اکثر شعرهای انتقادی فکاهی ایشان در آستارا ورد زبان خاص و عام است. شعرهایی چون چوروک معلم، اکابر قضیه سی - من هارا شورا هارا.

شگردهای طنزپردازی در اشعار اکبر اکسیر

طنز برخی از اشعار اکسیر منتج شده از شگردهای متنوع بدیعی است که عمده‌ترین آنها به شرح زیر هستند:

ایهام

شمیسا(۱۳۹۵)، درباره ایهام میگوید: «ایهام واژه یا عبارت به گونه‌ای است که ذهن بر سر دوراهی قرار میگیرد و نمیتواند در یک لحظه یکی از دو معنی را انتخاب کند. این، انتخاب کاری آسان نیست و این حالت روانی بیشترین لذت را در خواننده ایجاد میکند» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۶۸). در زیر به نمونه‌های شعری شاعران از این آرایه میپردازیم: - غم نان نداشتیم / یک روز که دیر رسیدم / شاطر تمام کرده بود / جوی خون در سینی / شکمی دریده/ و چاقویی در مشت / شاطر تمام زندگی اش / به شرط چاقو بود (اکسیر، ۱۳۹۷: ۴۶).

تمام کرده بود ۱ - مرده بود ۲ - دیگر نانی نداشت

به شرط چاقو ۱ - کشتن با چاقو ۲ - تضمین کاری درستی اش.

- به من چه که تو تب! شعر داری (همان: ۷).

واژه‌ی تب ایهام دارد: ۱- بیماری تب ۲- سوز و گداز شاعری.

- صادق باشید تا بگویم / تنها، این عینک / این عصا / بوف‌کور را هدایت نکرده (همان: ۱۱).

این دو واژه، به نام صادق هدایت، نویسنده و معنای لغوی راستگویی، هدایت شدن اشاره دارد.

- بچه بودم از دوچیز میترسیدم: حمام و آمپول/ آن روزها امیرکبیر برای اصلاح به به حمام میرفت/ شاعران برای هوا خوری به باغ دکتر احمدی/ یک روز دماغ امیر را گرفتند فین کرد/ و دکتر احمدی افتاد / حالا من از هر چه دکتر است میترسم (اکسیر، ۱۳۹۷: ۵۶). فین کردن به معنای ۱ - استنشاق کردن ۲ - حمام فین کاشان

اصلاح به معنای ۱ - اصلاحات کشور ۲ - از بردن موی صورت.

حس آمیزی:

حس آمیزی «آمیختن دو یا چند حس است در کلام به گونه‌ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر بیفزاید و سبب زیبایی آن شود» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۶۴). در زیر به نمونه‌های شعری از این آرایه میپردازیم:

- بوی زنده عرق میدهم / لباسشویی میسوی (اکسیر، ۱۳۹۷: ۲۲).

بو به حس بویایی و تند به حس چشایی مربوط می‌شود، شاعر با آمیختن این دو حس دست به برجسته‌سازی زده‌است.

- آقا من خیس شرم (همان: ۸۴).

خیس بودن از حس لامسه را با مفهوم انتزاعی شعر آمیخته است.

- شعری سیاه / من را دید میزد (همان: ۶۴).

شعری سیاه (بزشعری)، را که مفهوم انتزاعی دارد، به رنگ سیاه در نظر گرفته و مفهومی جدید آفریده‌است.

- فریاد سبز جنگل، اخطار تیشه‌ام من خالی زشاخ و برگم تندیس تلخ مرگم (اکسیر، ۱۳۶۱: ۵۵).

فریاد به حس شنوایی مربوط و سبز به حس بینایی مربوط میشود.

بزرگنمایی

بزرگنمایی، چنان است که صفت کسی یا چیزی را بزرگتر از آنچه هست، جلوه دهند. گاه این بزرگنمایی، مبالغه است؛ یعنی هم از نظر عقل و هم از روی عادت امکانپذیر است. گاه غُلُو است؛ یعنی نه عقلاً و نه از روی عادت ممکن نیست و گاه اغراق است؛ یعنی از نظر عقل امکانپذیر است؛ ولی عملاً ممکن نیست» (آهنی، ۱۳۵۷: ۲۰۶). طنزپردازان با این شگرد، کاستیهایی را برای دیدن بیشتر برجسته‌تر میکنند، تا مخاطبان آن را ببینند. در زیر به نمونه‌های شعری از این آرایه میپردازیم:

- در پیش چشم تو خورشید/ سرد و بی تپش چال سیاه / یخ زده‌ای بیش نیست (اکسیر، ۱۳۶۱: ۷۰).

- پدرم چوب را که بر میداشت/ اره از ترس دو نیم میشد (اکسیر، ۱۳۹۷: ۲۱).

- آن قدر کف زدیم / که سقف شعر فرو ریخت (همان: ۵۸).

- و راننده آن چنان خندید / که بیمه نامه‌اش ترکید (اکسیر، ۱۳۸۷: ۲۲).

- بیلبردهای شهرک غرب / در انحصاری آگهی کرم‌های ضد آفتابند / شب پره‌ها می‌چرخند و بیک بیک میخوانند (همان: ۴۸).

متناقض‌نما:

تعریف متناقض‌نما عبارت است از: «بیانی ظاهراً متناقض با خود یا مهمل است که دو امرمتضاد را جمع کرده باشد، اما در اصل دارای حقیقتی باشد که از راه تفسیر یا تأویل بتوان به آن دست یافت» (چناری، ۱۳۷۷: ۱۹). از این‌رو، میتوان گفت در بیان پارادوکس، دوگونه ناساز و متضاد، درعین تضاد، با هم پیوسته‌اند. در زیر به نمونه‌های شعری از این آرایه میپردازیم:

- بینوایان / با جلد گالینگور زرکوب / شیک و پیک / چاق و چله / به قیمت خرج یکماه بینوایان به بازار آمد/ تا دختر عالیجناب ایکس / درویلاهی اختصاصی شمال فصل فصل بخواند / و به گیس کوزت جهان/ قاه قاه / گریه کند (اکسیر، ۱۳۹۷: ۶۷).

تناقض بین مفهوم و عنوان رمان بینوایان با ظاهر کتاب و این که کسی که آن را میخواند، و قاه قاه گریه کردن وجود دارد.

- این بچه‌های پیر واقعا خوشمزه اند (همان: ۷۳).

بچه پیر تناقض دارد.

کنایه

تعریف کنایه «ذکر مطلبی و دریافت مطلب دیگر» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۷۵). این ظرفیت میتواند به مؤلفه‌های ایجاد طنز منجر شود، از این‌رو، شاعران با هنرمندی از این آرایه بهره برده‌اند. در زیر به نمونه‌های شعری از این آرایه میپردازیم:

- و توهم مثل یک تکه یخ / بی اعتنا به ثانیه‌های عجولی که مرا در آب میکنند/ قلبم در ذهنم میزند/ نبضم را میشنوم (اکسیر، ۱۳۶۱: ۴۱). قلب در دهان زدن و صدای نبض شنیدن، جزء القای کنایه از اضطراب داشتن است.

- خواب خرگوشی (همان: ۶۹).
خرگوش موقع خوابیدن یک چشم یا هر دو چشم نیمه باز دارد، در اینجا کنایه از غفلت و بی‌توجهی است.
- پسرهای امروز یتیم به دنیا می‌آیند (اکسیر، ۱۳۹۰: ۷۲).
کنایه از شاغل بودن پدر و مادرها.
- چرا پدرها اخلاق سگ دارند (همان: ۶۷).
اخلاق سگ داشتن کنایه از بداخلاق بودن است.
اکبر اکسیر، از این آرایه به وفور استفاده کرده‌است، دغدغه‌های شاعری با کنایه به شکل طنز نمود پیدا کرده‌است.

مراعات نظیر

- مراعات نظیر «آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه است که باهم تناسب دارند. این تناسب میتواند از نظر جنس، نوع مکان زمان، همراهی و ... باشد. مراعات نظیر سبب تداعی معانی است این آرایه موجب تکاپوی ذهن میشود در جستجوی همزاد و هر نوع تناسب به شرط آگاهی میتواند یادآور این همزاد باشد» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۴۶). در زیر به نمونه‌های شعری از این آرایه می‌پردازیم:
- دیروز مستطیلی به من دهن کجی کرد / و دوزنقه شد / من از اول مربع بودم / در صف نان لوزی شدم؟! در چهارراه مثلث / در بانک قائمه / به خانه که رسیدم پاره خط بودم / آنقدر در خود لولیم تا دایره شدم (اکسیر، ۱۳۸۷: ۶۵).

- شاعر، مسائل جامعه را دستمایه نمایش این آرایه و طنز کرده‌است.
- روزگاریست گل سرخ، علف هرزه و کاشتن صمیمیت را از دل باغچه برداشته اند / علف هرزه در آن کاشته اند (اکسیر، ۱۳۶۱: ۱۱).
گل سرخ، باغچه، علف هرزه و کاشتن.
- درخت واحد طبیعت است / پیمان‌ه بهار / عیار سنجش بالندگی / اندازه شکوه / مقدار زندگی ست (همان: ۴۴).
واحد، پیمان‌ه، عیار، اندازه و مقدار.
آرایه مراعات نظیر در شعرهای اکبر اکسیر، به وفور دیده میشود، و جز پربسامدترین آرایه‌های دفترهای شعری وی است.

تضاد:

- تضاد «آوردن دو کلمه با معنی متضاد است در سخن برای روشنگری، زیبایی و لطافت آن. تضاد قدرت تداعی دارد و از این‌رو، سبب تلاش ذهنی میشود» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۴۷). در زیر به نمونه‌های شعری این آرایه می‌پردازیم:
- ای در من از همه نزدیکتر / بی تو روزم از شبم تاریکتر (اکسیر، ۱۳۶۱: ۳۲).
- سیب را باید خورد / باید از روز اول به ابدیت پیوست (همان: ۳۳).
اکبر اکسیر از این آرایه با بسامد بالایی استفاده کرده‌است.
مجاز از شهرت مولوی در سراسر جهان.
- بوی حماسه می‌آید / بوی رهایی موعود (اکسیر، ۱۳۶۱: ۱۵).
بو مجاز از خیر است.
- به احترام استاد کلاس سرا پا گوش است (اکسیر، ۱۳۹۶: ۵۱).

مجاز از با تمام وجود گوش کردن است.

تلمیح

تلمیح اشاره‌ای است به بخشی از داستانها یا حوادث تاریخی یا اساطیری است، درحقیقت «ارزش تلمیح به میزان تداعی‌ای بستگی دارد که از آن حاصل میشود به نحوی که ایجاز، غنا و زیبایی متن و شعر را باعث گردد» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۵۰). در زیر به نمونه‌های شعری از تلمیح میپردازیم:

در شعرهای اکبر اکسیر، تلمیح بازتاب خلاصه رویدادها در زیرمتن شعر است، که آن را به آرایه‌ای پرکاربرد در شعر او نشان میدهد. اکبر اکسیر تلمیح را بیشتر برای بیان کشمکشها و دغدغه‌های شخصی، اجتماعی و سیاسی به کار گرفته است، نمونه‌های زیر:

- بچه بودم از دوچیز میترسیدم: حمام و آمپول / آن روزها امیرکبیر برای اصلاح به حمام میرفت / شاعران برای هواخوری به باغ دکتر احمدی / یک روز دماغ امیر را گرفتند فین کرد / و دکتر احمدی افتاد / حالا من از هر چه دکتر است میترسم (اکسیر، ۱۳۹۷: ۵۶). اشاره به حمام فین کاشان، که امیرکبیر در آن کشته شد، و دکتر احمدی که مخالفان حکومتی را با آمپول هوا میکشت.

- چوپان چراگاه ارض موعودم / گوسفندان زیادی در من میچرخند / گرگهای زیادی در من میدرنند / سگهای زیادی با من میدوند / چیزی به موسی شدنم نمانده است / اگر این گوساله‌ها بگذارند (اکسیر، ۱۳۹۰: ۳۷).

اشاره به پیامبری حضرت موسی و گوساله سامری.

- شاعران ما هزار سال از لب شیرین نوشتند / هر چه فرهاد بود مرض گند گرفت / شاعران ژاپن اما / از ناوک سرنگ انسولین ساختند (اکسیر، ب ۱۳۹۴: ۱۱).

اشاره به داستان خسرو و شیرین در ادبیات ایران.

- تیر بود یا شهریور / درست یادم نیست پدر خربزه خورد / ما پای لرزش نشستیم / و آنچنان لرزیدیم / که مجلس ۲۹ اسفند را / تعطیل رسمی اعلام کرد (اکسیر، ۱۳۸۷: ۳۵).

شاعر به نهضت ملی شدن نفت و اقدامات پس از شهریور ۱۳۲۰ اشاره دارد.

- در میدان فردوسی / رخس گاری میکشد / رستم کنار پیاده‌رو سیگار میفروشد / سهراب ته جوب به خود میپیچد (اکسیر، ۱۳۸۵: ۱۶).

اشاره به داستانهای شاهنامه با بازآفرینی نوین براساس شرایط روز.

- ۵۰ سال میشود که مامای پیر / مرا از بهشت رانده است / آیا هنوز که هنوز است آدم نشده (همان: ۲۸).

اشاره به داستان آدم و حوا.

- بیسوادی بد دردی است / میخواستیم به سفارت هند، پناهنده شوم / سر از سفارت اسپانیا در آوردم / حالا با این پوست سوراخ سوراخ چه کنم؟ / دباغخانه میگوید: / این پوست فقط به درد کمربندی خورد (اکسیر، ۱۳۸۹: ۸۱).

این شعر از زبان گاو است، اشاره دارد به مقدس بودن گاو در هند، و علاقه اسپانیایی‌ها به گاوبازی.

تشخیص:

تشخیص «نسبت دادن صفات جانداران به چیزهای بیجان را تشخیص گویند که معنای آن شخصیت بخشی است. گاهی هم شاعر یا نویسنده نه به اشیاء بی‌جان بلکه به حیوانات، صفات انسانی میبخشد و یا اشیاء را نه انسان بلکه صرفاً یک جاندار میبیند» (کاظمی، ۱۳۷۷: ۵۸). در زیر به نمونه‌های شعری از انواع تشخیص میپردازیم:

گیاه‌پنداری:

- پای هر مزرعه به موسم گل / خوشه در خوشه عشق میروید (اکسیر، ب ۱۳۹۴: ۶).
- وسط خیابان دوربین کاشته‌اند (اکسیر، ۱۳۹۰: ۶۸).
- دکل‌های ایرانسل کاشته‌ایم (اکسیر، ۱۳۹۳: ۳۳).
- در من برویان دانه پاک سحر را (اکسیر، ۱۳۶۱: ۲).
- و عاشقانه میکاشتی نجابت را در تن روستا (همان: ۳۹)

جسم‌پنداری:

- از تاریخ تولدم / ۴۹ سال گذشته است (اکسیر، ۱۳۹۷: ۴۹).
- پوتین فلسفه من را برق انداخت (همان: ۶۵).
- حس لامسه را بر میدارم (اکسیر، ۱۳۸۹: ۱۷).
- پدرم کاشی بود / مادرم سرامیک / من حمام از آب درآمدم (همان: ۳۵).

انسان‌پنداری:

- تشخیص در شعرهای اکبراکسیر کاربرد زیادی داشته‌است، و از بین انواع تشخیص‌ها، انسان‌پنداری نسبت به دیگر تشخیص‌ها از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. برای نمونه:
- بفرمایید بنشینید / صدلی عزیز! / لطفا ورق بزنید، بخوانید / کتاب محترم! (اکسیر، ۱۳۹۷: ۱۱).
 - رقص ساطور (همان: ۶۳).
 - دل تلویزیون را میشکنم / رگ کنتور را میزنم / پدر تلفن را در می‌آورم / گوش پرده را میکشم /... جیب زیر سیگاری را خالی میکنم (همان: ۳۲).
 - آمبولانس مریض میشود (همان: ۱۳).
 - دندان مصنوعی پدر خنده میکند (همان: ۱۵).
 - سالها بعد / یک روز صبح خود را با زنجیر جلیقه دار زد / سایه / ساعت بی بند! (همان: ۷۴).
 - این شعر مشکل گوارشی دارد، اسپد پس میزند / نفخ میکند / سوزش دارد (اکسیر، ۱۳۹۰: ۷).
 - نگرانی زودتر از من به خانه رسیده‌است (همان: ۳۹).
 - تا از چراغ قرمز خجالت بکشیم و خلاف نکنیم (همان: ۶۸).
 - هایدگر بدنسازی رفت / آنقدر دمبل زد / که رگهای فلسفه ترکید (اکسیر، ۱۳۸۵: ۴۲).
 - لطفا پیوست کویر را به گیلان بیاورید (همان: ۶۴).

تشبیه:

تشبیه «ادعای همانندی میان دو چیز است. مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه ساختار کلی هر تشبیهی را به خود اختصاص می‌دهند. ضمن اینکه حضور مشبه و مشبه‌به بر خلاف وجه‌شبه و ادات تشبیه در هر تشبیهی ضروری است» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۶۹). در شعرهای اکبر اکسیر، تشبیهات اغلب محسوسات هستند، فهم شعر او آسان است، یکی به دلیل اینکه وی از قواعد شعرفرانو استفاده می‌کند، و دوم اینکه موضوعات جامعه و مردم را در بردارد، از این رو، به مخاطب خاص و عام توجه می‌کند، و شعری قابل فهم ارائه می‌دهد، در زیر به نمونه شعرهای اکبر اکسیر از نظر هنجارگریزی معنایی می‌پردازیم:

تشبیه بلیغ اضافی : (تشبیه فشرده اضافه تشبیهی)

- ناگهان سیل خنده جاری شد (اکسیر، ب ۱۳۹۴: ۶۱).
- پوشال مه (اکسیر، ۱۳۹۷: ۱۸).
- یک نفر مرا هل داده از آبشار شعر/ من خیس شرم (همان: ۸۴).
- درخت بید / به هفته نامه جنگل آگهی داد (اکسیر، ۱۳۹۰: ۳۱).
- بیا به شیشه حسرت تو پاره سنگی باش / بیا به هندوی بختم تو رود گنگی باش / ... / بیا کاروان صداقت طنین زندگی باش / ... / بیا ز دوزخ تنهایی صدایم کن (اکسیر، ۱۳۶۱: ۱۵).
- هنگام غروب که با کوزه وقار با خیل تشنگان از چشمه میرسی قیامتی (همان: ۱۴).
- خواهرم در سیاهچال یأس پوسید (همان: ۵).

تشبیه اسنادی :

- آن پرندۀ سنگی/ نشسته در پوشال مه / تندیس کودکیست (همان: ۱۸).
- سیل نفرین آسمان است (اکسیر، ۱۳۹۰: ۳۴).
- درخت فواره طراوت است حوض آبی افلاک / ... / درخت بزرگترین شاعر معاصر است / ... / درخت چرا سبزرنگ تحرک است / ... / طول موج صداقت / در موج موج سکوت / برج مراقبت است / در فرودگاه آهن و دود / و آنتن سرسبز است / که شکوه زیستن را له می‌کند (اکسیر، ۱۳۹۳: ۴۶).

تشبیه مضمّر :

- به خیار بیندیش / که با پیرهن سبز راه راه / و کلاهی زرد / پانک کرده (اکسیر، ۱۳۹۶: ۳۷).
- رنگ سبز خیار به پیرهن و گل زرد روی خیار به کلاه مانند شده است.
- دریا روی موج بلند پیام بازرگانی پخش می‌کند (اکسیر، ۱۳۸۷: ۶۴).
- دریا به رادیو مانند شده است.
- وزغ پیری هستم با اورکت سبز (همان: ۶۸).
- جاده سرشار از لاشۀ شغالانی ست / که نور بالا دویده‌اند (همان: ۳۸).
- در اینجا شغالان به شکل مضمّر به خودرو مانند شده است.
- من اول صبح سوار باد شده‌ام (اکسیر، ۱۳۸۹: ۱۰).
- باد به وسیله نقلیه مانند شده است.

- دیالوگ یادم رفت / صدای خودم را آوردم : بع (همان: ۶۷).
شاعر صدای خودش را [خودش را] به گوسفند و صدای گوسفند تشبیه کرده‌است.

استعاره مصرحه :

استعاره در لغت «مصدر باب استفعال است یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغتی دیگر، زیرا شاعر در استعاره واژه‌ای را به

علاقه مشابهت به جای واژه دیگری بکار میبرد» (شمیسا، ۱۳۹۵: ۱۵۳). در زیر به نمونه‌های شعری این آرایه میپردازیم :

- درختی است، با گیسوان نگرگ

واژگون دره حیران (همان: ۳۱).

گیسوان نگرگ استعاره از شاخه و برگ سبز درختان که روی آن‌ها برف نشسته است.

- از دامن بهار یک دکمه خالدار / کنده شد افتاد روی خاک (اکسیر، ۱۳۹۷: ۱۶).

یک دکمه خالدار استعاره از کفشدوزک است.

- هنوز که پشت پنجره‌ای / زرد انبوی چاخان (همان: ۳۹).

زردانبوی چاخان، استعاره از خیارشور.

- شنبه آمده بود / با ۵ وروجک قد و نیم قد (همان: ۴۰).

۵ وروجک قد و نیم قد، استعاره از روزهای هفته بغیر از روز جمعه است.

- میگوی کاش شیر میشدی گاو خسته من (همان: ۲۲).

- او اتوبان جنوب شهر را آسفالت میکند (همان: ۴۶).

شعر به شهری مانند شد که اتوبان دارد.

- خروس خمیازه‌ای کشید ... و انتشار شیر استعاره از انسان شجاع و گاو خسته استعاره از انسان.

- من نیز دوم شخص مفرد مؤنث مفلوک را (اکسیر، ۱۳۹۰: ۱۲).

من ... مؤنث مفلوک، استعاره از معشوق است.

- قدیر سونا بلبل را میگرد (اکسیر، ۱۳۹۳: ۱۸).

خواندن به گریاندن مانند شده‌است.

استعاره مکنیه

- آنقدر کف زدیم / که سقف شعر فرو ریخت! /... تا عاقبت / به دیوار دفترم سنجاق میشود! (اکسیر، ۱۳۹۷: ۶۲).

- از در و دیوار مجلات بالا میروم (اکسیر، ۱۳۸۵: ۱۳).

در این عبارات، مشبه (شعر، دفتر مجلات) به بنایی مانند شده‌است و یکی از ملازمات آن (سقف، صدایش سپیده

بزرگ روز را تخم گذاشت (اکسیر، ۱۳۶۱: ۲۶).

با صدای خروس روز شد مفهوم به زیبایی برجسته‌سازی شده‌است.

- طول موج صداقت (همان: ۴۶).

صداقت به رادیو مانند شده‌است.

- تکرار کلمه و هماهنگی بین اجزا :

- افساط برج نیامده را

دانه

دانه

چک کرده ایم (اکسیر، ۱۳۹۶: ۵۹).

" دانه / دانه " یک برج را تداعی میکند.

- درخت زبان رسمی طبیعت است

تلفظ

د

ر

خ

ت

مثل

آب آسان است (اکسیر، ۱۳۶۱: ۴۷).

شاعر واج‌های، واژه درخت را جدا کرده و نشان میدهد، که تلفظ آن آسان است، و نیز شکل آن مانند ریختن قطرات آب و مثل آب آسان است، این بخش از شعر وی یکی از جلوه‌های زیبای هنجارگریزی نوشتاری در شعر اکسیر است.

تکرار کلمات :

- ای نخل سرافراز فواره نماز

بتاز

بتاز

بتاز (اکسیر، ۱۳۶۱: ۶۰).

تغییر فونت و استفاده از واژگان انگلیسی

- حالا هر روز یک N.G.O علم میشود / محیط زیست نیست! (اکسیر، ۱۳۹۹: ۷۹).

عبارات بدیع :

- لطفا سقوط را رعایت فرمایید (اکسیر، ۱۳۸۹: ۷).

در اینجا شاعر به جای واژه "سکوت"، با توجه به موضوع شعر از واژه "سقوط" استفاده نموده است.

صفات پیاپی (تنسیق الصفات) :

- کرمهای ساده خوش باور (اکسیر، ۱۳۹۷: ۸).

- فولکس واگن قرمز متالیک (همان: ۱۶).

- نیچه با آن ابر سیل مرتب پرپشت / ... / هیتلر با آن سیل کوچک استامپی ... / من مانده ام با این سیل سیخ سیخ (همان: ۶۵).

- این یکی وانت مسقف سیاه هم بد نیست (همان: ۶۹).

- فکهای مرده قیراندود (همان: ۸۶).

- حقیر فقیر بیچاره (اکسیر، ۱۳۹۶: ۵۶).

ترکیبهای مقلوب :

- دیروز هرچه کهنه کوله داشتم برد. (اکسیر، ۱۳۹۷: ۶۹).

جای موصوف و صفت جابجا شده‌است.

- هر طرف که میروم برای خرید/ میکنند م همی‌پشیمانا (اکسیر، ۱۳۹۶: ۵۶).

- به من از وام اداره بده / خدایت دهد خروانا (همان: ۵۷).

- درواج ازدحام، ناگاه جیغ زنی جوان / پویایی مزاحم دستی را دستبند میزند (اکسیر، ۱۳۶۱: ۳۶). ترکیب "دستی مزاحم" به "مزاحم دستی" مقلوب شده‌است.

- گرامی‌ادیب دور اما ... (اکسیر، ۱۳۹۶: ۵۶). جای موصوف و صفت جابجا شده‌است.

واژگان محاوره : کاربرد واژگان محاوره‌ای در شعر طنز اکبراکسیر بسامد بالایی دارد.

- ذلیل مرده کجا بودی ؟ (اکسیر، ۱۳۹۹: ۶۳).

- زن و مرد و پیر و جوان کیپ تا کیپ / روی تلی از زباله مینشستیم (همان: ۶۵).

- بیچاره کرایه اش را درب و داغون کرد (اکسیر، ۱۳۹۶: ۲۷).

- جریان سیال چک و چانه و دروغ (همان: ۷۹).

- انگیزه منگیزه سرم نمیشه (همان: ۸۴).

- به این قواره آش و لاش ذوزنقه ! (همان: ۸۴).

- هنوز که پشت پنجره‌ای زردانبوی چاخان (همان: ۳۹).

- اینگونه آرام و بی خیال بر مسند قلمها لمیده اند (اکسیر، ۱۳۶۱: ۵۶).

- بابام میگه بلایم / به من میگه که شیطان / مگه من آمریکایم / ... / سگی تو کوچمونه / دشمن ما همونه (همان: ۸۶).

- و آن یکی مدام نق میزنه / مرده شور / ریختت رو ببرد (اکسیر ۱۳۸۷: ۱۹).

- گور پدر مرگ (همان: ۶۱).

- سهراب خریت نمیکرد (اکسیر، ۱۳۸۹: ۵۲).

- حرفهای گنده گنده زد نفهمیدیم (اکسیر، ۱۳۸۵: ۶۳).

- سبیلهایم کلفت کردم / تا نیچه شوم / نوچه شدم (اکسیر، ۱۳۹۰: ۸).

- چیه؟ مگر شما خواهر مادر ندارید (همان: ۱۹).

- خواده نطیل الدین طوطی (همان: ۴۱). - خدا بیامرز پدرم چنان خنده‌ای زد/ که مرده شورها ترسیدند ! ... / طفلکی هم قاطی کرد! (همان: ۳۳).

- از شلنگ آفتابه آب میخوری/ تازه به دوستان قدیم پز میدهی / که با موز همسایه‌ای (همان: ۸).

- کاشف دستمال کاغذی هر کی بود / چشمان من نبوده‌اند (همان: ۱۲).

- آخه بابا مجبوری شعر طنز بگی !؟ (همان: ۲۱).

- پدربزرگم مدام ترانه ی ابرو کمون را میخواند/ و نمی‌داند مادربزرگم هم "تاتو" کرده‌است (همان: ۷۲).

- او کو تا ما شه / ... / ما کو تا او شیم ؟ (اکسیر، ۱۳۹۳: ۱۱).

- طبق معمول رفته گل بچینه (همان: ۳۲).

- من از اچیل اچسپیل می تلمسم (همان: ۲۶).

- نقاشی اجق و جق ببینم/ ... / روشنفکر جد و آبادتونه (همان: ۴۶).

کوچک شماری:

کوچک شماری، یکی از شگردهای ایجاد طنز است، دید تحقیر آمیز به شخص، جامعه، هنجار و اوضاع موجود است. در این شیوه، طنزپرداز شخص یا جامعه مورد نظر خود را از داشته‌هایش خالی میکند، «او را در منظر دید خوانندگان مینشانند تا ببینند و داوری کنند که آنچه آنها درباره او می‌اندیشند، جز خیال واهی یا برآمده از خوش باوری و فریفتگی آنها و مردم فریبی قربانی او، پایه دیگری نداشته است» (حلی، ۱۳۸۵: ۶۳). در زیر به نمونه‌های شعر از این شگرد می‌پردازیم:

زیر نور مصنوعی / ابر مصنوعی / آسمان مصنوعی / عمود راه میروی و گاهی از دیوار مردم بالا میروی / از شلنگ و آفتابه آب میخوری / تازه به دوستان قدیم پُز / میدهی که با موز، همسایه‌ای / و پدرت مهندس کشاورزی است! / خاک بر سرت کنم که به چراغ نفتی میگوی خورشید / به گلدان پلاستیکی میگوی سرزمین پدری! / بدبخت! همه جا مسخره ات میکنند / پیراهن خودت را بیوش (اکسیر، ۱۳۹۷: ۳۸).

ابیات بالا بخشی از شعر "خیار درختی" است، شاعر، نگاهی تحقیرآمیز، به انسانهایی دارد، که رشد و جایگاهشان در جامعه درست نیست، بلکه اینان ابزار دست دیگران هستند، شاعر خیار درختی را به طنز میکشد، زیرا بجای نور خورشید، با نور مصنوعی، ابر و آسمان مصنوعی (در گلخانه) رشد کرده‌است، و از شیلنگ و آفتابه آبیاری میشود، و چراغ نفتی را خورشید و گلدان پلاستیکی را سرزمین پدری میداند، شاعر در پایان شعرش به خیار درختی میگوید، خودت باش.

در کل، شعرهای اکبر اکسیر از بسامد بسیار بالایی از این شگرد برخوردار است.

عدم تناسب:

تناسب نداشتن بین دو چیز یا دو کس و مقایسه آن در وضعیتی خاص این تکنیک از طنز را ایجاد میکند.

- مادر بزرگ هر جمعه / مویش را دم اسبی میکند / دندان مصنوعی اش را درمی‌آورد / کفش اسکیت میپوشد / و به یاد خیانت‌های کوچک پدر بزرگ / در پارک دانشجو، تک چرخ میزند / پدر بزرگ، مدام ترانه ابروکمون را میخواند / و نمیداند مادر بزرگ هم تاتو کرده‌است / او قول شرف داده / سگه‌های قدیمی، شمشیر قجری و افتخارات پدری را بفروشد / تا دماغ دلمه‌ای مادر بزرگ فندقی شود / پدر بزرگ، تازگیها بلا شده، زیر ابرویش را برمیدارد / پینک فلوید گوش میدهد / پیرهن چسبان Love میپوشد / ژل میزند / کافینت میرود و ساعتها چت میکند / این بچه‌های پیر واقعاً خوشمزه اند / وقت خواب، هر دو عینک جوشکاری میزنند (اکسیر، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۲).

در شعر بالا "این بچه‌های پیر" رفتارهای بزرگسالان که تناسبی با سن آنها ندارد، به طنز بیان شده‌است؛ زیرا اقتضای هر سنی، رفتار متناسب است و اگر این تناسب رعایت نشود، سبب خنده میشود.

- مادر از عروسی که برگشت / گیس مصنوعی / دندان مصنوعی / لنز چشم / مژه و ناخن مصنوعی را برداشت / خط چشم / خط ابرو / خط لب را پاک کرد / مادر بزرگ شد / پدر به طعنه گفت: / لعنت بر این صنایع مونتاژ (همان: ۵۵).
ابیات بالا بخشی از شعر "پازل" است. شاعر با مقایسه دو حالت بزک شده و نشده مادر، صنایع مونتاژ و آرایشگری را نقد کرده‌است. اکبر اکسیر از این تکنیک با بسامد بالا استفاده کرده‌است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال به وجود آمد که شگردهای طنزپردازی در اشعار شاعر طنزپرداز، اکبر اکسیر، چیست؟ یافته‌ها نشان داد شگردهای اصلی اکسیر برای طنزپردازی عبارتند از: کاربرد صنایع بلاغی مانند ایهام، تضاد، تشخیص، تشبیه، کنایه کاربرد ترکیبات محاوره‌ای، بهره بردن از استعاره، تضاد، مراعات نظیر، تلمیح، تشبیه و جز اینها نماد، تضمین، مجاز، طنز و تعریض و به کار رفتن ضرب المثلها، زبان عامیانه و محاوره‌ای در سطحی وسیع، تتابع اضافات، و گاهی زبان روایی و داستانی بیشترین اساس طنز را در حوزه زبانی نشان داده است. او زمانی شعر را به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک میکند و از کلمات بومی و محلی استفاده میکند و زمانی از کلماتی استفاده میکند که در دسترس عامه نیست و از همه این موارد برای ایجاد طنز زبانی در اشعارش بهره برده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر خورشید قنبری نیز راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم لیلی همایونفر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم شایگان به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است

تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله (شگردهای طنزپردازی در اشعار اکبر اکسیر) بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

References

- Aslani, Mohammadreza (2008). Dictionary of Satire Terms, Tehran, Karoun, 2nd Ed.
Eksir, Akbar (A) (2008). Come on Sit Dear Chair, 2nd Ed., Tehran: Morvarid Publications.
Eksir, Akbar (C) (2008). Honeybees Have Got Diabetes! 3rd Ed., Tehran: Morvarid Publications.
Anousheh, Hassan (1997). A Dictionary of Persian Literature, 1st Ed., Tehran: Printing and Publishing Company.
Jamalzadeh, Seyyed Mohammad Ali (2003). A Persian Dictionary of Colloquialism, 2nd Ed., Tehran: Sokhan Publications.

- Javadi, Hassan (2005). *The History of Humor in Persian Literature*, Tehran, Carvan Publishing House.
- Javadi, Hassan (2005). *The History of Humor in Persian Literature*, 1st Ed., Tehran: Carvan.
- Halabi, Ali Asghar (1998). *History of Humor*, Tehran: Behbahani.
- Dad, Sima, (2004). *Dictionary of Literary Terms*, 1st Ed., Tehran: morvarid Publications.
- Rastgu, Seyyed Mohammad (2000). *Ambiguity in Persian Poetry*, 1st Ed., Tehran: Soroush Publications.
- Shamisa, Sirous (2004a). *Literary Genres*, 4th Ed. Tehran: Mitra.
- Shiri, Ghahreman (1998). *The Secret of Satire, Proceedings on Satire*, Tehran: Research and Assessment 13 and 14, IRIB, Center for Research, Studies, and Program Assessment.
- Talebian, Yahya; Taslim Jahromi, Fatemeh (2012). *Caricature in the Scope of Persian Literature*, Tehran: Fasle5 Publications.
- Ghazanfari, Mohammad (2009). *A Comparative Study of the Usage of Figures of Speech in Contemporary Persian and English Satires*, *New Literary Studies*, No. 165.
- Critchley, Simon (2005). *On Humor*, translated by Soheil Somi, Tehran: Qaqnoos Publications.
- Kazzazi, Seyed Jalaluddin, (2010). *Aesthetics of Persian Speech and Expression*, 7th Ed., Tehran: Nashre Markaz.
- Goldmann, Lucien et al. (1998). *Essays on Method in the Sociology of Literature*, translated by Mohammad Jaafar Pouyandeh, Tehran: Naghshe Jahan.
- Homai, Jalaluddin (2010). *Rhetoric Techniques and Literary Industries*, 1st Ed., Tehran: Ahoora.
- Humorous techniques in Akbar Aksir poems.

فهرست منابع فارسی

- اصلانی، محمدرضا، (۱۳۸۷) فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران، کارون، چاپ دوم.
- اکسیر، اکبر (الف)، (۱۳۸۷)، بفرمایید بنشینید صدلی عزیز، چ دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- اکسیر، اکبر (ج)، (۱۳۸۷)، زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند! چ سوم، تهران: مروارید.
- انوشه، حسن، (۱۳۷۶)، فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جمال‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۲) فرهنگ لغات عامیانه، چ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران، نشر کاروان.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴) تاریخ طنز در ادبیات ایران، چاپ اول، تهران: کاروان
- حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۷۷) تاریخ طنز و شوخ‌طبعی، تهران: بهبهانی.
- داد، سیما، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چ اول، تهران: انتشارات مروارید.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۹) ایهام در شعر فارسی، چ اول، تهران: انتشارات سروش.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳ الف)، انواع ادبی (ویرایش چهارم) چاپ نخست از ویرایش چهارم، تهران: میترا.

شیری، قهرمان (۱۳۷۷). راز طنزآوری، مجموعه مقالات طنز، تهران: فصلنامه سنجش و پژوهش ۱۳ و ۱۴، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.

طالبیان، یحیی و تسلیم جهرمی، فاطمه (۱۳۹۱) کاریکلماتور در گستره ادبیات فارسی، تهران: فصل پنجم.

غضنفری، محمد (۱۳۸۸) پژوهشی در کاربرد آرایه‌های ادبی در طنز معاصر فارسی و مقایسه اجمالی آنها در طنز انگلیسی «جستارهای ادبی» دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق «مجله علمی - پژوهشی، شماره ۱۶۵، تابستان.

کریچلی، سیمون (۱۳۸۴) در باب طنز، ترجمه سهیل سُمی، تهران: انتشارات ققنوس.

کزازی، سید جلال‌الدین، (۱۳۸۹)، بدیع، چ هفتم، تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.

گلدمن، لوسین و دیگران (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات و اندیشه (مجموعه مقالات)، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ اول، تهران: اهورا.

معرفی نویسندگان

لیلی همایونفر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: Kargarf079@gmail.com)

خورشید قنبری ننیز: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: kh.ghanbari@iauk.ac.ir)

مریم شایگان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: maryamshayegan46@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Leyli Homayounfar: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: Kargarf079@gmail.com)

Khorshid Ghanbari Naniz: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: kh.ghanbari@iauk.ac.ir : Responsible author)

Maryam Shaygan: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: maryamshayegan46@yahoo.com)